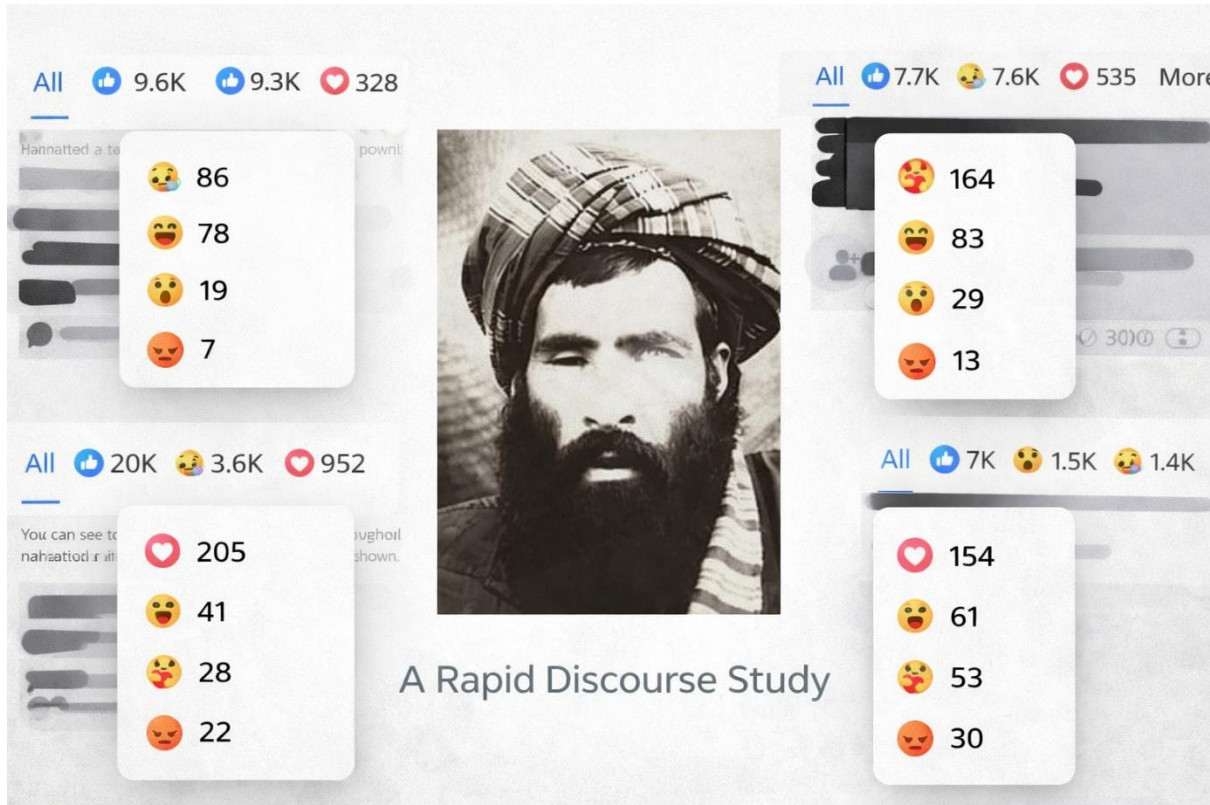


مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان

پژوهش‌های آینده‌نگر در زمینه تروریسم، امنیت و دموکراسی



مرگ یک مادر و آسیب روانی یک ملت

واکنش افغان‌ها در فضای مجازی به درگذشت مادر ملا محمد عمر مجاهد

طارق جهان

مطالعه پژوهشی

جنوری ۲۰۲۶

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان (ACSTD) یک نهاد پژوهشی، پالیسی محور، و شرکت مشورتی استراتژیک به رهبری افغان‌ها است که در زمینه‌های تروریسم، منازعات، امنیت، دموکراتیزه‌سازی، مشارکت مدنی و تاب‌آوری اجتماعی فعالیت تخصصی دارد. این مرکز به‌عنوان نهادی مستقل و متکی بر واقعیت‌های محلی، پژوهش‌های آینده‌نگر، مشوره‌های پالیسی و راهکارهای عملی را برای محیط‌های شکننده و آسیب‌دیده از منازعات، با تمرکز بر افغانستان و آسیای جنوبی، ارائه می‌کند.

مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان در بریتانیا به ثبت رسیده است (شماره ثبت شرکت SC859228). این مرکز با تلفیق شناخت عمیق از واقعیت‌های محلی، دقت و استحکام تحلیلی و معیارهای جهانی، از اقدامات مبتنی بر شواهد در راستای تأمین امنیت، دموکراسی و صلح حمایت می‌کند.

info@acstd.org | www.acstd.org

فهرست مطالب

1	مقدمه
1	روش تحقیق
2	یافته‌ها و تحلیل
2	طلوع‌نیوز - پشتو
5	طلوع‌نیوز - دری
8	افغانستان انترنشنل - پشتو
12	افغانستان انترنشنل - دری
15	نتیجه‌گیری
16	منابع دیتا: پُست‌های فیس‌بوک مورد بررسی
17	درباره نویسنده

مقدمه

از زمان بازگشت طالبان به قدرت در اگست ۲۰۲۱، این گروه عملاً کنترل افغانستان را در دست داشته و نظم سیاسی، ارزش‌های اجتماعی و رابطه میان دولت، جامعه و قدرت را در کشور تغییر داده است. با آن‌که ملا محمد عمر مجاهد، رهبر بنیان‌گذار طالبان، سال‌ها پیش در پاکستان درگذشت، هنوز هم جایگاه نمادین مهمی در تفکر و روایت تاریخی طالبان دارد. طالبان از او به عنوان یک الگوی اخلاقی، منبع مشروعیت و بنیان‌گذار این گروه یاد می‌کنند. برای هوادارانش، او نماد فداکاری و اقتدار دینی است؛ اما برای منتقدان، نام او همچنان با چندین دهه خشونت و تلفات پیوند دارد.

در چنین شرایطی، مرگ مادر ملا محمد عمر تنها یک رویداد شخصی یا خانوادگی نبود. این رویداد به یک موضوع نمادین تبدیل شد و واکنش‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی افغانستان برانگیخت. این واکنش‌ها فرصتی را فراهم می‌کند تا بینیم افغان‌ها امروز طالبان را چگونه می‌بینند، مسئولیت خشونت‌های گذشته و کنونی را چگونه درک می‌کنند و در جامعه‌ای که چندین دهه جنگ، آسیب و تحولات سیاسی را تجربه کرده است، قضاوت‌های اخلاقی خود را چگونه بیان می‌کنند.

این مطالعه کوتاه برای بررسی واکنش‌های علنی افغان‌ها به این مرگ و درک دیدگاه‌های گسترده‌تر اجتماعی نسبت به طالبان به عنوان حاکمان کنونی افغانستان انجام شده است. در این تحقیق، دیدگاه‌های کاربران تنها به عنوان ابراز همدردی یا مخالفت بررسی نمی‌شود، بلکه به عنوان بازتابی از برداشت‌ها و قضاوت‌های مردم مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ جایی که غم، خشم، دین، جنسیت، اخلاق و خاطرات سیاسی با یکدیگر پیوند می‌خورند. بخش نظرات به فضایی تبدیل شد که در آن کاربران گاهی سرزنش، خویش‌داری، احترام، محکومیت یا ناراحتی خود را بیان می‌کردند و در برخی موارد چند مورد از این احساسات همزمان دیده می‌شد.

مهم است که این مطالعه در پی سنجش افکار عمومی به شکل نماینده‌وار نیست و تلاش نمی‌کند میزان حمایت یا مخالفت مردم با طالبان را مشخص سازد. تمرکز اصلی بر شیوه‌های بیان و بحث است: مردم چگونه سخن می‌گویند، به چه معیارهای اخلاقی استناد می‌کنند و مسئولیت را چگونه به افراد نسبت می‌دهند یا از آنان سلب می‌کنند. توجه ویژه به این موضوع شده است که مردم تا چه اندازه اعضای خانواده، به‌خصوص مادران، را از نظر اخلاقی مسئول اعمال چهره‌های سیاسی و افراد وابسته به گروه‌های مسلح می‌دانند. همچنان بررسی می‌شود که زبان و مفاهیم دینی چگونه برای توجیه مجازات یا، برعکس، برای دعوت به خویش‌داری به کار برده می‌شوند.

این مطالعه با بررسی دیدگاه‌های پشتو و دری کاربران فیسبوک در واکنش به خبرهای منتشرشده از سوی طلوع‌نیوز و افغانستان انترنشنل، نشان می‌دهد که چگونه یک رویداد واحد برداشت‌ها و قضاوت‌های اخلاقی متفاوتی را در میان کاربران زبان‌های مختلف و در رسانه‌های مختلف برانگیخته است. یافته‌ها تصویری از بحث‌های عمومی امروز افغانستان زیر حاکمیت طالبان ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه خاطرات حل‌نشده خشونت، آسیب‌های جمعی و واقعیت‌های سیاسی کنونی همچنان بر قضاوت مردم درباره مشروعیت، گناه و مسئولیت اخلاقی در فضای عمومی تأثیر می‌گذارند.

روش تحقیق

این مطالعه از روش تحلیل سریع کیفی محتوا و تحلیل موضوعی دیدگاه‌های کاربران فیسبوک استفاده می‌کند. این دیدگاه‌ها در واکنش به خبرهای طلوع‌نیوز و افغانستان انترنشنل درباره درگذشت مادر ملا محمد عمر نوشته شده‌اند. هدف این است که واکنش‌های علنی افغان‌ها به این رویداد بررسی شود و موضوعات اخلاقی، احساسی و سیاسی که در این واکنش‌ها دیده می‌شود، شناسایی گردد.

تحلیل بر یک دوره زمانی کوتاه و مشخص تمرکز دارد و واکنش‌های کاربران را در ۳۶ ساعت نخست پس از نشر خبر در بر می‌گیرد؛ زمانی که میزان واکنش کاربران و شدت احساسات بیشتر بود. اطلاعات از چهار پُست فیسبوک به زبان‌های پشتو و دری جمع‌آوری شد. در مجموع، حدود ۳۰۰۰ دیدگاه زیر این پُست‌ها نوشته شده بود. از میان آن‌ها، برای هر مجموعه یک نمونه منظم برای تحلیل کیفی انتخاب شد که شامل حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ دیدگاه از هر پُست بود. در انتخاب نمونه، به دیدگاه‌های اصلی و دیدگاه‌هایی که بیشترین واکنش کاربران را به همراه داشتند، اولویت داده شد تا دیدگاه‌های برجسته، مرتبط و تأثیرگذار در بحث‌ها شامل تحلیل شوند.

در این مطالعه، تحلیل کیفی محتوا برای شناسایی موضوعات تکرارشونده، چارچوب‌های بحث و انواع واکنش‌ها با تحلیل موضوعی ترکیب شد. تحلیل موضوعی برای بررسی شیوه‌های قضاوت اخلاقی، بیان احساسات، استفاده از زبان دینی، نسبت دادن مسئولیت و برداشت‌ها از مشروعیت به کار رفت. دیدگاه‌ها چندین بار خوانده و بر اساس موضوعاتی که از خود اطلاعات به دست می‌آمد، دسته‌بندی شدند. به این ترتیب، هم روایت‌های غالب و هم دیدگاه‌های متفاوت و کمتر رایج، بدون تعیین موضوعات از قبل، از میان خود داده‌ها شناسایی شدند.

این مطالعه همچنان از روش مقایسه‌ای استفاده می‌کند و شباهت‌ها و تفاوت‌ها را میان دو رسانه، یعنی طلوع‌نیوز و افغانستان انترنشنل، و میان دیدگاه‌های پشتو و دری بررسی می‌کند. تمام دیدگاه‌ها بدون ذکر نام کاربران مورد تحلیل قرار گرفته و هیچ تلاشی برای شناسایی افراد صورت نگرفته است. تمرکز این تحلیل بر شیوه‌ها و الگوهای بحث و بیان است، نه بر سنجش افکار عمومی یا این‌که این دیدگاه‌ها تا چه اندازه نماینده تمام مردم افغانستان هستند.

این روش برای درک این موضوع انتخاب شده است که افغان‌ها در واکنش به مرگ یک چهره نمادین، چگونه غم، خشم، قضاوت اخلاقی و خاطرات سیاسی خود را در فضای عمومی بیان می‌کنند، نه برای سنجش آماری دیدگاه‌های مردم.

یافته‌ها و تحلیل

طلوع‌نیوز – پشتو

الف) معرفی و محدوده دیتا

دیتا این بخش از دیدگاه‌های کاربران در صفحه پشتوی فیسبوک طلوع‌نیوز گرفته شده است که پس از نشر خبر درگذشت مادر ملا محمد عمر نوشته شده‌اند. تحلیل، ۳۶ ساعت نخست پس از نشر خبر را در بر می‌گیرد. در این مدت، این پُست حدود ۳۰۰۰ دیدگاه، ۱۴۷ بار اشتراک‌گذاری و نزدیک به ۱۹ هزار واکنش دریافت کرد که شامل لایک، غمگین، دوست‌داشتن، خنده، تعجب و خشم بود. از میان این دیدگاه‌ها، ۸۰۰ مورد به‌گونه منظم برای تحلیل انتخاب شد و بخش‌های مختلف نظرات بررسی گردید تا زمانی که موضوع تازه و قابل توجهی در دیدگاه‌ها دیده نمی‌شد. میزان واکنش کاربران، به‌ویژه اشتراک‌گذاری این پُست، در مقایسه با پُست مشابه به زبان دری به‌طور قابل توجهی بیشتر بود. این موضوع نشان می‌دهد که خبر در میان کاربران پشتوزبان بیشتر دست‌به‌دست شده است.

از نظر روش تحقیق، شیوه انتخاب دیدگاه‌ها، محدوده تحلیل و دوره زمانی در این بخش با بخش دری یکسان است. به همین دلیل، مقایسه مستقیم واکنش‌های کاربران در فضای پشتو و دری امکان‌پذیر است.



تصویر ۱: اعلام درگذشت از سوی ذبیح‌الله مجاهد که توسط طلوع‌نیوز (پشتو) نشر شده است.

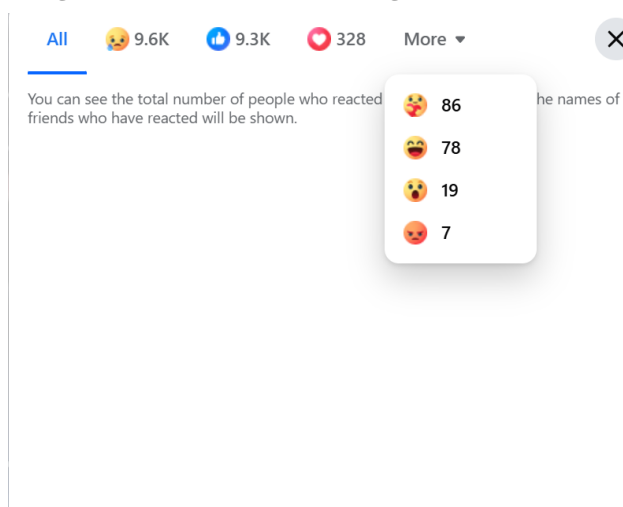
ب) الگوی غالب: ابراز تسلیت دینی به عنوان واکنش اصلی

بخش دیدگاه‌های پشتو بیشتر به فضایی برای ابراز تسلیت و سوگواری تبدیل شده بود تا بحث سیاسی. بیشتر دیدگاه‌ها کوتاه و معمولی بودند و بر اساس رسم‌های اسلامی در هنگام مرگ نوشته شده بودند. این دیدگاه‌ها شامل عبارات‌های قرآنی مانند «*انا لله وانا الیه راجعون*»

دعا برای آمرزش متوفی مانند «الله متعال/ او را بیامرزد» دعا برای رفتن به بهشت و درخواست صبر برای بازماندگان بود. این دیدگاه‌ها عمدتاً وارد بحث و موضوعات سیاسی نمی‌شدند. بیشتر کاربران به کارنامه طالبان یا نقش ملا عمر در خشونت‌ها اشاره‌ای نمی‌کردند. در عوض، بخش نظرات بیشتر به یک فضای مشترک دینی و اخلاقی تبدیل شده بود که در آن رعایت حرمت و رفتار مناسب در برابر مرگ، بر ابراز دیدگاه‌های سیاسی اولویت داشت.

ت) حرمت مادری و جایگاه اخلاقی مادر

در کنار ابراز تسلیت، شمار قابل توجهی از کاربران جایگاه متوفی را به دلیل مادر بودن او برجسته کرده بودند. در این دیدگاه‌ها، از او به عنوان مادری با عزت یا شجاع، مادر نمادین افغان‌ها یا جامعه اسلامی، و زنی که یک فرزند قهرمان یا تاریخی را پرورش داده بود، یاد می‌شد. در این نوع دیدگاه‌ها، مادر بودن به خودی خود به منبع احترام و جایگاه اخلاقی تبدیل شده بود. مادر بودن، به‌خصوص مادر یک چهره برجسته دینی یا سیاسی، یک ارزش دانسته می‌شد که شایسته احترام است. این جایگاه اخلاقی در بسیاری موارد باعث می‌شد که متوفی از انتقاد یا پرسش دور نگه داشته شود. موضوعاتی مانند خشونت، مسئولیت و پاسخگویی سیاسی یا مطرح نمی‌شدند و یا به حاشیه می‌رفتند.



تصویر ۲: میزان و انواع واکنش‌های کاربران فیسبوک به خبر درگذشت منتشرشده از سوی طلوع‌نیوز (پشتو).

ث) رعایت اصول گفتار: مخالفت با توهین و بی‌احترامی

یکی دیگر از الگوهای تکرارشونده در دیدگاه‌های پشتو، واکنش کاربران به شیوه صحبت دیگران بود. بسیاری از کاربران به توهین، نفرین یا سیاسی‌ساختن موضوع مرگ به‌شدت اعتراض می‌کردند. این واکنش‌ها بیشتر بر زبان دینی و توصیه‌های اخلاقی استوار بود. برای نمونه، کاربران می‌نوشتند: «به مرده توهین نکنید»، «قضاوت از آن خداست» و «حتی اگر پسرش گناه کرده باشد، نباید به مادرش توهین کرد».

نکته مهم این است که این واکنش‌ها لزوماً به معنای حمایت یا ستایش طالبان نبود. بیشتر نشان‌دهنده تلاش کاربران برای حفظ حدود دینی و فرهنگی در گفت‌وگوهای عمومی بود. این کاربران دیگران را به رعایت اصول اخلاقی و احترام در هنگام مرگ دعوت می‌کردند و یادآور می‌شدند که در چنین شرایطی چه چیزهایی را نباید گفت. به این ترتیب، در دیدگاه‌های پشتو تأکید زیادی بر رعایت اصول اخلاقی و دینی دیده می‌شد.

ج) دیدگاه مخالف اقلیت: محکومیت و رد مشروعیت

در کنار موج گسترده تسلیت، شمار کمتری از کاربران با لحن تند و صریح به محکومیت پرداختند. این کاربران درخواست برای خویشتن‌داری را نمی‌پذیرفتند و متوفی را با اعمال پسرش پیوند می‌دادند. برخی از او به‌صراحت به عنوان «مادر یک تروریست» یاد کرده، مادر را نیز در برابر چندین دهه رنج مردم افغانستان مسئول می‌دانستند یا خواهان مجازات الهی او می‌شدند. اشاره به خشونت طالبان، کشته‌شدن غیرنظامیان و تجربه‌های شخصی از مرگ و رنج نیز در این دیدگاه‌ها زیاد دیده می‌شد. برخی دیدگاه‌ها موضوع را به پاکستان نیز پیوند

می‌دادند و با اشاره به پنجاب، راولپندی یا آی‌اس‌آی، طالبان را به عنوان گروهی معرفی می‌کردند که از بیرون بر افغانستان تحمیل شده است، نه یک حرکت واقعی و مستقل افغانی. در این نوع دیدگاه‌ها، مشروعیت اخلاقی طالبان و چهره‌های نمادین آن‌ها به شدت زیر سؤال برده می‌شد.

اگرچه شمار این دیدگاه‌ها کمتر بود، اما معمولاً طولانی‌تر، احساسی‌تر و از نظر سیاسی صریح‌تر بودند. این واکنش‌ها اغلب بازتاب خشم و آسیب ناشی از تجربه مستقیم خشونت و از دست دادن عزیزان بود. چنین دیدگاه‌های مخالفی در میان نظرات پشتو وجود داشت، اما در مقایسه با موج گسترده تسلیت، خویشتن‌داری و تأکید بر حرمت‌های دینی، در حاشیه قرار داشت.

(د) دیدگاه ترکیبی: جدا دانستن مادر از پسر

گروه قابل توجهی از کاربران دیدگاهی میانه داشتند که در آن رعایت اصول دینی با محکومیت سیاسی همراه بود. این کاربران برای آمرزش مادر دعا می‌کردند یا تسلیت می‌گفتند، اما در عین حال پسرش را به دلیل نقشی که در خون‌ریزی در افغانستان داشت، محکوم می‌کردند. این شیوه به کاربران اجازه می‌داد که هم اصول دینی و اخلاقی مربوط به احترام به متوفی را رعایت کنند و هم خشم، اندوه یا اعتراض سیاسی خود را بیان نمایند. با جدا دانستن جایگاه اخلاقی مادر از اعمال پسرش، کاربران می‌توانستند درباره مسئولیت و خشونت سخن بگویند، بدون آن‌که به متوفی بی‌احترامی کنند.

این دیدگاه ترکیبی نشان می‌دهد که برخی افغان‌ها تلاش می‌کنند میان اصول دینی و تجربه‌های تلخ ناشی از خشونت تعادل برقرار کنند. به جای سکوت، آن‌ها مادر و پسر را از نظر مسئولیت جدا می‌دانستند و به این شکل هم حرمت متوفی را حفظ می‌کردند و هم درباره مسئولیت اعمال گذشته سخن می‌گفتند.

(ذ) دیدگاه‌های کم‌محتوا و حضور نمادین کاربران

در میان دیدگاه‌ها، شمار زیادی واکنش‌های بسیار کوتاه یا کم‌محتوا نیز وجود داشت. این موارد شامل دیدگاه‌های خالی، دعا‌های تکراری یا کاپی‌شده، متن‌های طولانی دینی، نشانه‌ها و علامت‌های مختلف و گاهی هم شریک‌ساختن لینک‌ها بود. بسیاری از این دیدگاه‌ها مستقیماً درباره رویداد یا سخنان دیگر کاربران نبودند. این نوع واکنش‌ها بیشتر نشان‌دهنده حضور نمادین کاربران بود تا بحث و گفت‌وگو. به نظر می‌رسد برای برخی کاربران، نوشتن یک دیدگاه راهی برای نشان دادن باور دینی، همدردی یا صرفاً حضور در فضای عمومی سوگواری بود. در چنین مواردی، حضور و مشارکت اهمیت بیشتری از بیان یک نظر مشخص یا ورود به بحث داشت.

خلاصه یافته‌ها

در دیدگاه‌های پشتو، تفاوت روشنی میان انواع واکنش‌ها دیده می‌شود. بیشتر دیدگاه‌ها بر تسلیت، زبان دینی و احترام به جایگاه مادر تمرکز داشتند و همین واکنش‌ها فضای عمومی بحث را شکل می‌دادند. تلاش برای جلوگیری از توهین و دور نگه‌داشتن موضوع از بحث‌های سیاسی نیز برجسته بود و بر خویشتن‌داری و رعایت اصول دینی تأکید می‌شد.

محکومیت آشکار سیاسی نیز وجود داشت، اما شمار این دیدگاه‌ها کمتر بود، هرچند اغلب با احساسات شدید بیان می‌شدند. در مقایسه با دیدگاه‌های دری، که در آن خشم، محکومیت و سرزنش بر اساس جنسیت بیشتر دیده می‌شد، در فضای پشتو تأکید بیشتری بر رعایت اصول دینی در فضای عمومی، رفتار اخلاقی و شکل‌های غیرمستقیم مشروعیت‌بخشی دیده می‌شد. بسیاری از کاربران به جای رویارویی مستقیم با طالبان یا گذشته این گروه، از رعایت حرمت‌های دینی، جدا دانستن مادر از اعمال پسر و یا سکوت استفاده می‌کردند تا در برابر این موضوع حساس اخلاقی و سیاسی موضع بگیرند.

طلوع‌نیوز - دری

الف) معرفی و محدوده دیتا

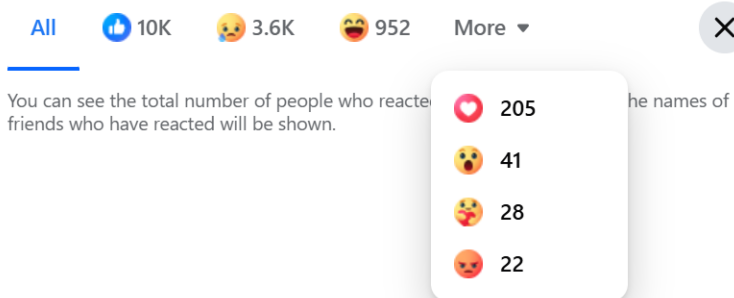
این بخش بیش از ۸۰۰ دیدگاه اصلی و بدون نام کاربران را بررسی می‌کند که در ۳۶ ساعت نخست پس از نشر خبر درگذشت مادر ملا محمد عمر در صفحه دری فیسبوک طلوع‌نیوز نوشته شده‌اند. در این مدت، این پُست حدود ۳۲۰۰ دیدگاه، بیش از ۱۵ هزار واکنش و ۵۱ بار اشتراک‌گذاری دریافت کرد. این ارقام نشان‌دهنده واکنش گسترده کاربران است، هرچند خبر به اندازه گسترده دست‌به‌دست نشده است. دیدگاه‌ها به‌گونه منظم نمونه‌گیری و به روش کیفی بررسی شدند تا زمانی که موضوع تازه و قابل توجهی در آن‌ها دیده نمی‌شد. در تحلیل، توجه اصلی به دیدگاه‌های اخلاقی غالب، الگوهای تکرارشونده در بحث‌ها و همچنین دیدگاه‌های مخالف یا متفاوت بوده است.



تصویر ۳: اعلام درگذشت از سوی ذبیح‌الله مجاهد که توسط طلوع‌نیوز (دری) نشر شده است.

ب) فضای بحث به‌شدت دو قطبی و احساسی

فضای دیدگاه‌ها با احساسات شدید و اختلاف نظرهای آشکار همراه بود. بسیاری از واکنش‌ها تند و تقابلی بودند و با زبان دینی و اخلاقی بیان می‌شدند. در برخی موارد، کاربران هنگام اشاره به طالبان یا افراد مرتبط با این گروه، از کلمات بسیار تند و توهین‌آمیز نیز استفاده می‌کردند. بسیاری از کاربران این مرگ را تنها یک موضوع شخصی یا خانوادگی نمی‌دانستند، بلکه آن را یک رویداد نمادین و سیاسی می‌دیدند. این رویداد باعث شد بسیاری از رنج‌ها و شکایت‌های دیرینه مرتبط با خشونت طالبان، سرکوب و سال‌ها رنج مردم افغانستان دوباره مطرح شوند.



تصویر ۴: میزان و انواع واکنش‌های کاربران فیسبوک به خبر درگذشت منتشرشده از سوی طلوع‌نیوز (دری).

در نتیجه، آنچه در بخش دیدگاه‌ها دیده می‌شد، کمتر شبیه گفت‌وگو و تبادل نظر و بیشتر مجموعه‌ای از قضاوت‌ها و موضع‌گیری‌های علنی بود. کاربران آشکارا موضع خود را نشان می‌دادند؛ برخی خشم و اعتراض، برخی حمایت و وفاداری و برخی دیگر خویشتن‌داری را بیان می‌کردند. به این ترتیب، این رویداد برای بسیاری به فرصتی تبدیل شد تا موضع خود را در برابر طالبان و گذشته نزدیک افغانستان نشان دهند.

ت) الگوی غالب: مسئول دانستن مادر به دلیل اعمال فرزند

یکی از برجسته‌ترین الگوها در دیدگاه‌ها این بود که خودِ مادر بودن به عنوان دلیلی برای مسئولیت اخلاقی در نظر گرفته می‌شد. در این نوع دیدگاه‌ها، حتی به دنیا آوردن ملا محمد عمر نیز با توجه به اعمال بعدی او مورد سرزنش قرار می‌گرفت. مادر از نظر اخلاقی در خشونت‌ها، مرگ‌ها و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با پسرش مسئول دانسته می‌شد.

این نوع نگاه به چند شکل تکرار می‌شد. نخست، بسیاری از کاربران تولد فرزند را بر اساس آنچه سال‌ها بعد اتفاق افتاد قضاوت می‌کردند. به دنیا آوردن یک فرزند دیگر یک رویداد طبیعی و بدون مسئولیت اخلاقی تلقی نمی‌شد، بلکه با توجه به اعمال بعدی پسر مورد قضاوت قرار می‌گرفت. در این دیدگاه‌ها، نقش مادر نه بر اساس قصد یا اختیار خودش، بلکه بر اساس پیامدهای اعمال پسرش ارزیابی می‌شد.

دوم، برخی کاربران تصور می‌کردند که اگر شرایط به شکل دیگری پیش می‌رفت، نتیجه از نظر اخلاقی بهتر می‌بود. برای مثال، آرزو می‌کردند که مادر هرگز صاحب فرزند نمی‌شد، سقط جنین می‌کرد یا پیش از بارداری می‌مرد؛ با این تصور که شاید در آن صورت افغانستان از چندین دهه رنج در امان می‌ماند.

سوم، مادر در برخی دیدگاه‌ها به عنوان نقطه آغاز نمادین رنج جمعی معرفی می‌شد. در این نگاه، او با یتیم‌شدن کودکان، بیوه‌شدن زنان، بی‌جاشدن مردم و رنج گسترده در کشور پیوند داده می‌شد. به این ترتیب، خشونت‌های مختلف در یک روایت بزرگ‌تر از رنج مشترک قرار می‌گرفت و ریشه آن به یک مادر نسبت داده می‌شد.

در مجموع، این نوع نگاه، رحم مادر را به نقطه آغاز نمادین یک مسئله سیاسی و اخلاقی تبدیل می‌کرد. تاریخ پیچیده جنگ، تفکر سیاسی و دینی و عوامل گسترده‌تر خشونت کنار گذاشته می‌شد و مسئولیت به یک فرد نسبت داده می‌شد؛ به گونه‌ای که خودِ مادر بودن، به جای عوامل گسترده سیاسی و تاریخی، به موضوع سرزنش تبدیل می‌شد.

ث) توهین و زبان مجازات‌طلبانه: کنار گذاشتن خویشتن‌داری اخلاقی

بخش قابل توجهی از دیدگاه‌ها از سرزنش فراتر رفته و به توهین شدید و درخواست مجازات می‌رسید. در این واکنش‌ها، برخی کاربران با استفاده از تشبیه به حیوانات، واژه‌های تحقیرآمیز و تصویرهای بسیار زننده، حرمت انسانی متوفی را نادیده می‌گرفتند. قبر و آخرت نیز بارها در دیدگاه‌ها مطرح می‌شد و برخی کاربران آن‌ها را جایی می‌دانستند که در آن مجازات و عدالت نهایی صورت خواهد گرفت.

این نوع بیان چند شکل تکرارشونده داشت. بسیاری از کاربران مستقیماً از رفتن متوفی به جهنم یا مجازات همیشگی سخن می‌گفتند. برخی دیگر از قبر، جسد، پوسیدن بدن یا ناپاکی با زبان توهین‌آمیز یاد می‌کردند. در بعضی موارد، سرزنش تنها متوجه یک فرد نبود، بلکه خانواده، نسل یا اصل و ریشه او را نیز در بر می‌گرفت.

آنچه در این واکنش‌ها بیشتر جلب توجه می‌کند، کنار گذاشتن خویشتن‌داری اخلاقی است. یک اصل شناخته‌شده، به‌ویژه این باور که نباید به مرده توهین کرد، آشکارا نادیده گرفته می‌شد. برای این کاربران، به نظر می‌رسید میزان و دوام رنجی که آن‌ها با خشونت طالبان پیوند می‌دادند، از ضرورت رعایت حرمت متوفی مهم‌تر بود. در نتیجه، بخش دیدگاه‌ها به فضایی برای انتقام‌گیری نمادین تبدیل شده بود؛ جایی که خشم و آسیب‌های ناشی از جنگ با زبانی بیان می‌شد که هدف آن مجازات، تحقیر و سلب حرمت بود.

ج) دین به عنوان زبان مورد اختلاف اخلاقی

زبان دینی نقش مهمی در دیدگاه‌ها داشت، اما برداشت کاربران از دین یکسان نبود. در واقع، مفاهیم دینی به زبان مشترکی تبدیل شده بود که کاربران از آن برای توجیه موضع‌های اخلاقی کاملاً متفاوت استفاده می‌کردند.

دین برای توجیه مجازات (دیدگاه غالب): در بیشتر این دیدگاه‌ها، مفاهیم دینی بیشتر برای توجیه محکومیت و مجازات استفاده می‌شد تا دعوت به خویش‌داری. کاربران از خداوند به عنوان مجازات‌کننده قطعی یاد می‌کردند و فضای کمی برای بخشش، تردید یا فروتنی در قضاوت باقی می‌گذاشتند. در این دیدگاه‌ها، گویا حکم الهی از قبل مشخص شده بود، نه این‌که قضاوت نهایی به خداوند و آخرت واگذار شود.

دین برای دعوت به خویش‌داری و مهربانی (دیدگاه اقلیت): گروه کوچک‌تر اما قابل توجهی از کاربران با استناد به آموزه‌های اسلامی، دیگران را به خویش‌داری دعوت می‌کردند. آن‌ها تأکید داشتند که قضاوت نهایی تنها از آن خداوند است، توهین به مرده از نظر دینی درست نیست و یک مادر، بدون توجه به اختلاف‌های سیاسی یا فکری، شایسته احترام است. با این حال، شمار این دیدگاه‌ها بسیار کمتر بود و اغلب با مخالفت یا رد دیگر کاربران روبه‌رو می‌شد.

در مجموع، دین در این فضای بحث به یک چارچوب اخلاقی مشترک و یکسان تبدیل نشده بود. در عوض، هر دو طرف از زبان و مفاهیم دینی برای دفاع از موضع‌های متفاوت خود استفاده می‌کردند. با آن‌که هر دو دیدگاه به دین استناد می‌کردند، برداشت‌های مجازات‌طلبانه بسیار بیشتر و برجسته‌تر بود و فضای کلی بحث را شکل می‌داد.

(د) سرزنش جنسیتی و مرتبط با بارداری و زایمان

در بسیاری از دیدگاه‌ها، محکومیت سیاسی با زبان جنسیتی و مرتبط با بارداری و زایمان بیان می‌شد. به جای تمرکز تنها بر تفکر طالبان یا خشونت این گروه، بسیاری از کاربران بدن مادر، روابط جنسی، بارداری و توانایی فرزندآوری او را هدف قرار داده و از این موضوعات برای سرزنش و تحقیر استفاده می‌کردند.

این الگو دو موضوع مرتبط را نشان می‌دهد. نخست، خشم سیاسی در بسیاری موارد به توهین جنسیتی تبدیل می‌شد. خشم علیه طالبان متوجه بدن یک زن می‌شد، در حالی که خود طالبان نیز به دلیل سیاست‌ها و رفتارشان در برابر زنان به شدت مورد انتقاد قرار دارند. دوم، برخی کاربران هنگام محکوم کردن طالبان، از همان نگاه‌ها و زبان تحقیرآمیز نسبت به زنان استفاده می‌کردند که ممکن است در شرایط دیگر با آن مخالف باشند. دیدگاه‌های منفی درباره زنان، بارداری، فرزندآوری و مسئولیت مادر به ابزاری برای بیان خشم سیاسی تبدیل شده بود.

به این ترتیب، بدن زن به فضایی نمادین برای بیان خشم، اندوه و آسیب‌های حل‌نشده ناشی از جنگ تبدیل می‌شد. مادر بودن و فرزندآوری، به جای آن‌که جدا از سیاست و شایسته حرمت دانسته شود، به ابزاری برای سرزنش تبدیل شده بود. این موضوع نشان می‌دهد که سرزنش زنان بر اساس جنسیت هنوز هم در بخشی از بحث‌های عمومی افغانستان ریشه عمیق دارد، حتی زمانی که هدف اصلی اعتراض و محکومیت طالبان است.

(ذ) دیدگاه مخالف: ستایش مادر و قهرمان‌دانستن او

گروه کوچک‌تر اما مشخصی از کاربران، از متوفی به عنوان یک مادر قهرمان ستایش می‌کردند. در این دیدگاه‌ها، پسر او به عنوان مدافع اسلام، پیروز در برابر نیروهای خارجی یا یک چهره مهم تاریخی و دینی معرفی می‌شد و اعمال او نیز موجه و بارزش دانسته می‌شد.

این نوع دیدگاه‌ها شباهت زیادی با روایت‌های طالبان درباره مشروعیت این گروه داشت. کاربران از مفاهیمی مانند جهاد، فداکاری، مقاومت و نجات کشور یا اسلام استفاده می‌کردند. این دیدگاه‌ها برداشت مثبت و آرمانی از گذشته طالبان را دوباره تأیید می‌کردند.

اگرچه شمار این دیدگاه‌ها محدود بود، اما از نظر محتوا هماهنگ و از نظر فکری نسبتاً یکسان بودند. این موضوع نشان می‌دهد که بخشی از کاربران بر اساس یک دیدگاه فکری مشخص و از قبل شکل گرفته به این رویداد واکنش نشان می‌دادند، نه این‌که واکنش آن‌ها تنها یک ابراز همدردی لحظه‌ای یا احساسی باشد.

(ر) نقد ساختاری و توجه به وضعیت زنان (محدود اما قابل توجه)

گروه قابل توجهی، هرچند کوچک، مسئول دانستن مادر را به طور کامل رد کرده و منطق چنین سرزنشی را زیر سؤال می‌بردند. این کاربران استدلال می‌کردند که زنان در افغانستان اغلب با محدودیت‌های شدید زندگی می‌کنند و در بسیاری موارد دسترسی محدودی به آموزش، استقلال و قدرت تصمیم‌گیری دارند. از این دیدگاه، مسئول دانستن مادران در برابر اعمال افرادی که بعداً به گروه‌های مسلح می‌پیوندند، ناعادلانه دانسته می‌شد.

این کاربران به عوامل گسترده‌تری مانند ساختارهای مردسالارانه، نقش پدران و دیگر مردان صاحب صلاحیت در خانواده و جامعه، آموزش‌های فکری و فعالیت شبکه‌های سازمان‌یافته مسلح اشاره می‌کردند. به باور آن‌ها، سرزنش زنان بیشتر نشان‌دهنده نگاه منفی و تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و انتقال مسئولیت به آنان بود، نه تلاش واقعی برای عدالت یا پاسخگویی.

اگرچه شمار این دیدگاه‌ها کمتر بود، اما به دلیل عمق تحلیل‌شان برجسته بودند. این دیدگاه‌ها با توجه به عوامل گسترده اجتماعی و سیاسی و همچنان وضعیت زنان، با نسبت دادن تمام مسئولیت به مادر مخالفت می‌کردند و راه سنجیده‌تری برای درک خشونت و مسئولیت ارائه می‌دادند.

ز) اختلاف اخلاقی درباره خود قضاوت

فراتر از اختلاف نظر درباره خود این مرگ، دیدگاه‌ها یک اختلاف عمیق‌تر را نیز نشان می‌دادند: **افغان‌ها در هنگام مرگ دیگران چگونه باید سخن بگویند؟** به عبارت دیگر، بحث تنها بر سر درست یا نادرست بودن یک موضع نبود، بلکه بر سر این بود که آیا قضاوت کردن درباره متوفی از نظر اخلاقی درست است یا خیر.

گروهی از کاربران، محکوم کردن را یک مسئولیت اخلاقی می‌دانستند. از دید آن‌ها، سکوت یا خویشتن‌داری می‌توانست به معنای چشم‌پوشی از اعمال و مسئولیت‌های گذشته باشد. گروه دیگری دیدگاه مخالف داشتند. این کاربران هشدار می‌دادند که استفاده از زبان توهین‌آمیز به جای عدالت، نشان‌دهنده ضعف اخلاقی است. آن‌ها استدلال می‌کردند که توهین به مرده با آموزه‌های دینی و اصول اجتماعی سازگار نیست و کنار گذاشتن خویشتن‌داری، حتی در برابر رنج و خشونت، اصول اخلاقی را زیر سؤال می‌برد.

این اختلاف تنها درباره یک فرد یا یک خانواده نبود، بلکه نشان‌دهنده برداشت‌های متفاوت از ارزش‌ها و اصول اخلاقی در جامعه بود.

خلاصه یافته‌ها

واکنش‌ها به درگذشت مادر ملا محمد عمر نشان می‌دهد که چگونه یک مرگ شخصی می‌تواند به سرعت به فضایی برای بیان رنج‌ها و آسیب‌های سیاسی حل‌نشده تبدیل شود. در بسیاری از دیدگاه‌ها، مادر بودن به عنوان دلیلی برای مسئولیت اخلاقی مطرح می‌شد. زبان دینی نیز بیشتر برای توجیه مجازات و محکومیت به کار می‌رفت تا دعوت به خویشتن‌داری و بخشش. حتی خشم و مخالفت با طالبان نیز در بسیاری موارد با سرزنش‌های جنسیتی همراه بود که نشان می‌دهد چنین نگاه‌هایی هنوز در بخشی از بحث‌های عمومی ریشه عمیق دارد.

در کنار این دیدگاه‌های غالب، دیدگاه‌های مخالف و متفاوت نیز وجود داشت؛ چه از سوی کسانی که از طالبان و گذشته این گروه دفاع می‌کردند و چه از سوی کسانی که با نگاه سنجیده‌تر، سرزنش مادر را نادرست می‌دانستند. با این حال، این دیدگاه‌ها در اقلیت قرار داشتند.

در مجموع، بخش دیدگاه‌ها به فضایی تبدیل شده بود که کاربران در آن موضع اخلاقی خود را در برابر خشونت، مشروعیت، دین و جنسیت به صورت علنی بیان می‌کردند. از این نظر، این واکنش‌ها بیشتر از آن که تنها موافقت یا مخالفت با یک رویداد را نشان دهند، بیانگر این هستند که افغان‌ها زیر حاکمیت طالبان چگونه همچنان با خاطرات و آسیب‌های گذشته، مسئله مسئولیت و برداشت خود از اصول اخلاقی روبه‌رو می‌شوند.

افغانستان انترنشنل – پشتو

الف) معرفی و محدوده دیتا

دیتا این بخش از دیدگاه‌های کاربران در صفحه پشتوی فیسبوک افغانستان انترنشنل گرفته شده است که پس از نشر خبر درگذشت مادر ملا محمد عمر نوشته شده‌اند. تحلیل، ۳۶ ساعت نخست پس از نشر خبر را در بر می‌گیرد. در این مدت، این پُست حدود ۱۸۰۰ دیدگاه و بیش از ۱۵ هزار واکنش دریافت کرد که شامل لایک، غمگین، دوست‌داشتن، خنده، تعجب و خشم بود. در مقایسه با میزان واکنش‌ها، این پُست کمتر به اشتراک گذاشته شده بود.

از میان این دیدگاه‌ها، ۷۰۰ مورد به‌گونه منظم برای تحلیل کیفی انتخاب شد و بخش‌های مختلف نظرات بررسی گردید تا زمانی که موضوع تازه و قابل توجهی دیده نمی‌شد.

در مقایسه با بخش پشتوی طلوع‌نیوز، شمار کلی دیدگاه‌ها در این مجموعه کمتر بود، اما موضع‌گیری‌های فکری و سیاسی روشن‌تر، تأکید بر رعایت اصول اخلاقی بیشتر و مرزبندی میان سخنان قابل قبول و غیرقابل قبول آشکارتر بود.

از نظر روش تحقیق، دوره زمانی، شیوه انتخاب دیدگاه‌ها و محدوده تحلیل با بخش پشتوی طلوع‌نیوز یکسان است. به همین دلیل، مقایسه واکنش کاربران پشتوزبان در این دو رسانه امکان‌پذیر است.



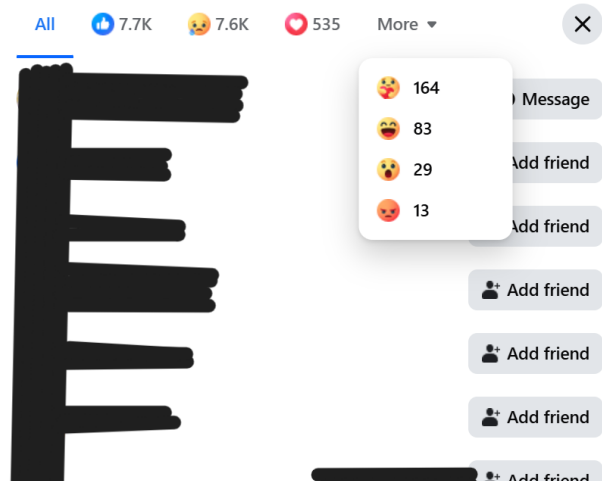
تصویر ۸: خبر درگذشت مادر ملا محمد عمر که توسط افغانستان انترنشنل (پشتو) نشر شده است.

(ب) فضای عمومی بحث

فضای دیدگاه‌های پشتوی افغانستان انترنشنل به‌شدت دو قطبی بود، اما از نظر تعداد، بیشتر دیدگاه‌ها شامل تسلیت‌های دینی و ستایش متوفی می‌شد. در کنار آن، تأکید زیادی بر رعایت اصول دینی و اخلاقی در نحوه صحبت درباره متوفی دیده می‌شد. محکومیت آشکار سیاسی و انتقادهایی که از تجربه خشونت و رنج ناشی می‌شد نیز وجود داشت، اما شمار آن‌ها در مقایسه با دیدگاه‌های غالب کمتر بود.

در مقایسه با بخش پشتوی طلوع‌نیوز، در اینجا ستایش فکری و سیاسی از طالبان آشکارتر، برخورد با خود رسانه تندتر و تأکید بر رعایت اصول دینی و اخلاقی در سخنان کاربران بیشتر بود.

در مجموع، این فضا کمتر به بحث و تبادل نظر شباهت داشت و بیشتر محلی بود که کاربران از طریق آن وابستگی فکری و موضع اخلاقی خود را نشان می‌دادند.



تصویر عر میزان و انواع واکنش‌های کاربران فیسبوک به خبر درگذشت منتشرشده از سوی افغانستان انترنشنل (پشتو).

ت) الگوی غالب: جایگاه مقدس مادر و پرورش یک فرزند قهرمان

برجسته‌ترین الگو در میان دیدگاه‌ها، ستایش جایگاه مادر به دلیل نقش تاریخی‌ای بود که کاربران برای پسر او قایل بودند. از او بارها با عبارت‌هایی مانند «مادر تمام امت مسلمان»، «مادر همه افغان‌های باعزت»، «مادری که تاریخ‌ساز شد» و «مادرکلان مبارک یا محبوب» یاد شده است.

در این دیدگاه‌ها، مادر بودن تنها یک رابطه شخصی یا خانوادگی دانسته نمی‌شد، بلکه به دلیل پرورش فرزندی که از نگاه این کاربران از اسلام دفاع کرده و در تاریخ نقش داشته است، اهمیت گسترده‌تری پیدا می‌کرد. در نتیجه، جایگاه اخلاقی مادر نیز کاملاً با جایگاه پسرش پیوند داده می‌شد.

در این نوع نگاه، خشونت به عنوان فداکاری، جهاد یا نجات کشور معرفی می‌شد و در برخی موارد، ستایش تا حد درخواست برای عزای عمومی، رخصتی یا بزرگداشت رسمی پیش می‌رفت. بنابراین، این واکنش‌ها تنها ابراز همدردی یا اندوه نبودند، بلکه روایت‌های مربوط به مشروعیت طالبان نیز از طریق ستایش مادر دوباره تأیید و تقویت می‌شدند.

ث) تسلیت‌های معمول دینی به عنوان شیوه اصلی واکنش

در کنار ستایش آشکار، بخش بزرگی از دیدگاه‌ها شامل عبارت‌های معمول دینی بود؛ از جمله آیات و عبارت‌های قرآنی، دعا برای آمرزش و درخواست مکرر جنت/فردوس برای متوفی. این دیدگاه‌ها معمولاً وارد بحث نمی‌شدند، تکراری بودند و در ظاهر محتوای سیاسی نداشتند. با آن‌که این واکنش‌ها در ظاهر بی‌طرف به نظر می‌رسیدند، اما نوعی معیار اخلاقی برای حضور در این فضای عمومی ایجاد می‌کردند. نوشتن چنین دیدگاه‌هایی بیشتر نشان‌دهنده دینداری و احساس تعلق به یک جمع بود تا ورود به بحث یا بیان یک نظر مشخص. در چنین مواردی، خود حضور و مشارکت به پیام تبدیل می‌شد.

د) تأکید بر رعایت اصول گفتار و اصلاح سخنان دیگران (بسیار برجسته)

یکی از ویژگی‌های بسیار برجسته این مجموعه، نظارت شدید کاربران بر شیوه سخن گفتن دیگران بود. این برخورد تنها متوجه منتقدان نبود، بلکه کاربران بی‌طرف و حتی کسانی را که تسلیت می‌گفتند نیز شامل می‌شد.

برای نمونه، کاربران بارها به دیگران تذکر می‌دادند که نگویند «مرد» (مړه مه وایه)، بلکه از عبارت‌های مورد قبول دینی مانند «وفات کرد» (وفات وایه) یا «به حق پیوست» (په حق رسېدلې ده) استفاده کنند. برخی کاربران استفاده از واژه «مرد» را گناه، نشانه ناآگاهی یا حتی عملی شیطانی می‌دانستند.

بنابراین، این حساسیت نسبت به زبان تنها جنبه نمادین نداشت، بلکه راهی برای وادار کردن دیگران به رعایت معیارهای دینی بود. به این ترتیب، نه تنها درباره این که چه چیزی می‌توان گفت، بلکه درباره این که چگونه باید آن را گفت نیز محدودیت‌های اخلاقی و دینی تعیین می‌شد.

ذ) نظارت بر رفتار و واکنش‌های کاربران

تأکید بر رعایت اصول اخلاقی در این دیدگاه‌ها تنها به کلمات محدود نمی‌شد، بلکه نوع واکنش و رفتار احساسی کاربران را نیز در بر می‌گرفت. برخی واکنش‌های فیسبوک، به‌ویژه واکنش «خنده»، به‌شدت محکوم می‌شد. به کاربران درباره پاسخگویی در آخرت هشدار داده می‌شد و بارها از آنان خواسته می‌شد که «به مرده توهین نکنند». به این ترتیب، کاربران دیگران را به خویش‌نهادی و رعایت حرمت متوفی وادار می‌کردند.

ر) انتقاد و بی‌اعتبار دانستن رسانه

خود افغانستان انترنشنل نیز به یکی از اهداف اصلی انتقاد کاربران تبدیل شده بود. برخی آن را «رسانه منافق» می‌خواندند، برخی آن را «دست‌نشانده پاکستان» می‌دانستند و برخی دیگر این رسانه را به نشر دروغ یا برنامه‌های سازمان‌یافته استخباراتی متهم می‌کردند.

با چنین زبانی، این رسانه فاسد، وابسته به خارج و فاقد مشروعیت معرفی می‌شد. در نتیجه، توجه برخی کاربران از بحث درباره خود رویداد به مسئله وفاداری و موضع‌گیری سیاسی کشیده می‌شد. به این ترتیب، انتقاد از طالبان یا برداشت‌های متفاوت از این رویداد نیز می‌توانست به عنوان محصول یک رسانه دشمن یا غیرقابل اعتماد رد شود.

ز) دیدگاه‌های مخالف اقلیت: محکومیت و رنج ناشی از جنگ

گروه کوچک‌تر اما بسیار احساسی از کاربران، ستایش متوفی را به‌طور کامل رد می‌کردند. در این دیدگاه‌ها، پسر او «تروریست» یا «قاتل» خوانده می‌شد و مادر نیز از نظر اخلاقی در مرگ افغان‌ها مسئول دانسته می‌شد. نفرین، درخواست مجازات در جهنم و زبان شدیداً توهین‌آمیز نیز در برخی از این واکنش‌ها دیده می‌شد.

بسیاری از این کاربران به کشته‌شدن غیرنظامیان، ویرانی و سال‌های طولانی جنگ اشاره می‌کردند. برخی نیز طالبان را گروهی وابسته به پاکستان یا آی‌اس‌آی معرفی کرده و جنگ افغانستان را در چارچوب جنگ‌های نیابتی می‌دیدند.

نکته قابل توجه این است که در مقایسه با دیدگاه‌های دری، محکومیت در اینجا کمتر با توهین‌های جنسیتی و جنسی همراه بود و بیشتر بر خیانت به کشور و رنج جمعی ناشی از جنگ تمرکز داشت. اگرچه شمار این دیدگاه‌ها کمتر بود، اما روایت مخالف روشنی را مطرح می‌کردند که هم ستایش متوفی و هم فشار برای خویش‌نهادی را به چالش می‌کشید.

ط) دیدگاه‌های میانه: جدا دانستن مادر از پسر

شمار محدودی از کاربران تلاش می‌کردند موضعی میانه داشته باشند. آن‌ها استدلال می‌کردند که «مادر، مادر است»، برای متوفی دعا می‌کردند و در عین حال خشونت طالبان را مورد انتقاد قرار می‌دادند. برخی نیز بدون ستایش متوفی، دیگران را به خویش‌نهادی و رعایت حرمت او دعوت می‌کردند.

با این حال، چنین دیدگاه‌هایی اغلب با مخالفت یا انتقاد دیگر کاربران روبه‌رو می‌شدند. در بسیاری موارد، صدای این گروه در میان موضع‌گیری‌های قوی‌تر دو طرف—کسانی که متوفی را ستایش می‌کردند و کسانی که او را به‌شدت محکوم می‌کردند—کمتر دیده می‌شد.

ظ) دیدگاه‌های کم‌محتوا و مشارکت نمادین

این مجموعه همچنان شامل شمار زیادی از واکنش‌های کم‌محتوا بود؛ مانند دیدگاه‌های یک‌کلمه‌ای، واکنش‌هایی که تنها شامل ایموجی بودند، لینک‌های نامرتبط و متن‌های تکراری یا کاپی‌شده. این موارد نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مشارکت کاربران بیشتر جنبه

نمادین داشت تا بیان یک دیدگاه مشخص. هدف در بسیاری موارد، دیده شدن یا نشان دادن موضع و وابستگی بود، نه ورود به بحث یا بیان یک نظر معنادار.

خلاصه یافته‌ها

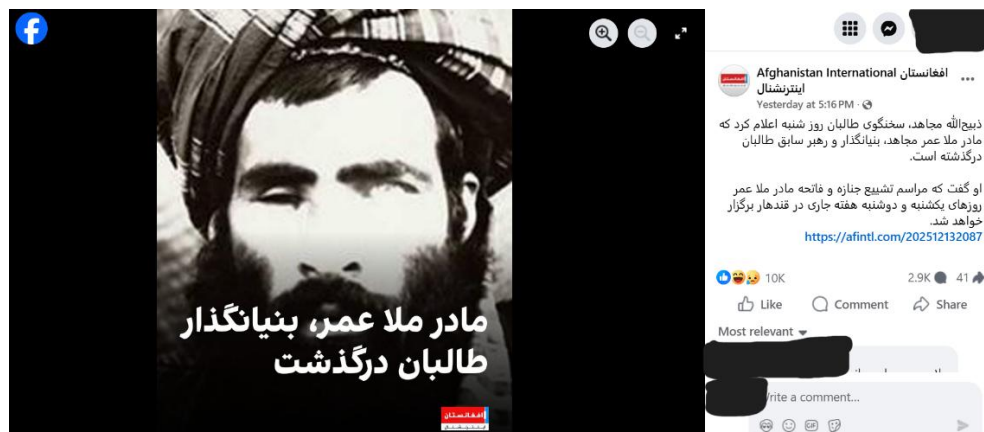
فضای دیدگاه‌های پشتوی افغانستان انترنشنل تحت تأثیر اصول اخلاقی و دینی نسبتاً سخت‌گیرانه قرار داشت. جایگاه مادر با مفاهیم دینی و فکری مورد ستایش قرار می‌گرفت و تسلیت‌های معمول دینی نیز بیشتر به عنوان یک رفتار مورد انتظار دیده می‌شد تا فرصتی برای بحث و تأمل. تأکید شدید بر رعایت اصول گفتار نه تنها مشخص می‌کرد که چه چیزی می‌توان گفت، بلکه بر نحوه بیان احساسات، استفاده از زبان و ابراز مخالفت نیز تأثیر می‌گذاشت. در نتیجه، فضای کمتری برای دیدگاه‌های متفاوت یا میانه باقی می‌ماند. محکومیت ناشی از تجربه جنگ و رنج نیز وجود داشت، اما در اقلیت قرار داشت و در برابر دیدگاه‌های غالب کمتر دیده می‌شد. در عین حال، برخورد تند با خود افغانستان انترنشنل و معرفی آن به عنوان رسانه‌ای وابسته به خارج و غیرقابل اعتماد، مرز میان دیدگاه‌های قابل قبول و غیرقابل قبول را بیشتر تقویت می‌کرد.

برخلاف بخش دری، که در آن خشم، توهین به زنان و زبان تحقیرآمیز بیشتر دیده می‌شد، در فضای پشتو مشروعیت بیشتر از طریق دینداری، عزت و احترام به متوفی بیان می‌شد. نتیجه، لزوماً دفاع آشکار از سیاست‌های طالبان نبود، بلکه نوعی مشروعیت‌بخشی غیرمستقیم بود که از طریق تأکید بر اصول اخلاقی و دینی، ستایش متوفی و محدود کردن رویارویی آشکار با دیدگاه غالب شکل می‌گرفت.

افغانستان انترنشنل – دری

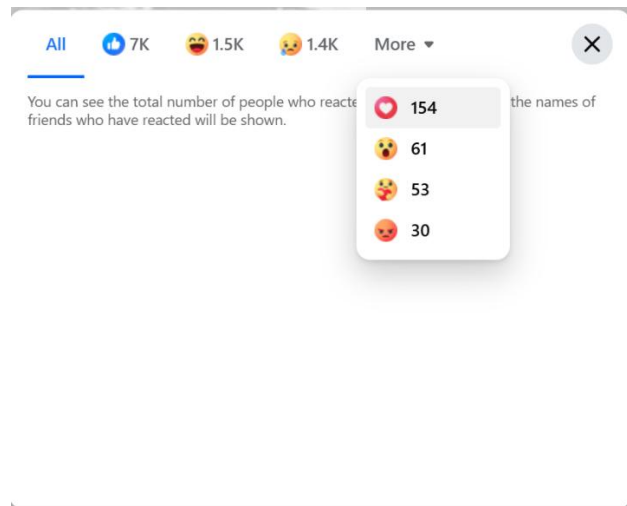
الف) معرفی و محدوده دیتا

دیتا این بخش از دیدگاه‌های کاربران در صفحه دری فیسبوک افغانستان انترنشنل گرفته شده است که پس از نشر خبر درگذشت مادر ملا محمد عمر نوشته شده‌اند. تحلیل، حدود ۳۶ ساعت نخست پس از نشر خبر را در بر می‌گیرد. در این مدت، این پُست حدود ۲۹۰۰ دیدگاه و شمار زیادی واکنش دریافت کرد که شامل لایک، غمگین، دوست‌داشتن، خنده، تعجب و خشم بود. این پُست همچنان ۴۱ بار به اشتراک گذاشته شد که نشان‌دهنده واکنش گسترده کاربران، اما اشتراک‌گذاری نسبتاً محدود آن است.



تصویر ۷: خبر درگذشت مادر ملا محمد عمر که توسط افغانستان انترنشنل (دری) نشر شده است.

از میان این دیدگاه‌ها، ۷۰۰ مورد به گونه منظم برای تحلیل کیفی انتخاب شد و بخش‌های مختلف نظرات بررسی گردید تا زمانی که موضوع تازه و قابل توجهی دیده نمی‌شد. بیشتر دیدگاه‌ها به زبان دری نوشته شده بودند، هرچند شماری از دیدگاه‌های پشتو و مواردی با ترکیب چند زبان نیز وجود داشت. از نظر روش تحقیق، دوره زمانی، شیوه انتخاب دیدگاه‌ها و محدوده تحلیل این بخش با بخش پشتوی افغانستان انترنشنل یکسان است. به همین دلیل، مقایسه مستقیم واکنش‌های کاربران دری‌زبان و پشتوزبان در یک رسانه امکان‌پذیر است.



تصویر ۸: میزان و انواع واکنش‌های کاربران فیسبوک به خبر درگذشت منتشرشده از سوی افغانستان انترنشنل (دری).

ب) الگوی غالب واکنش‌ها: محکومیت شدید و سرزنش

بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین الگوی واکنش‌ها، محکومیت شدید بود که اغلب مادر را به دلیل اعمال و گذشته پسرش هدف قرار می‌داد. بسیاری از کاربران، مادر را از نظر اخلاقی در نقش ملا عمر در خشونت، جنگ و رنج طولانی مردم افغانستان مسئول می‌دانستند. این سرزنش به صورت مستقیم بیان می‌شد و کاربران بارها به دنیا آوردن، بزرگ کردن یا تأثیر مادر بر شکل‌گیری شخصیت فردی اشاره می‌کردند که از نظر آنان با تروریزم و جنگ پیوند داشت.

در این دیدگاه‌ها، مادر با کشته شدن غیرنظامیان، رنج زنان، ویرانی کشور و چندین دهه بی‌ثباتی پیوند داده می‌شد. زبان مورد استفاده اغلب بسیار تند و مجازات طلبانه بود و شامل تشبیه‌های خشن، نفرین و قضاوت‌های اخلاقی شدید می‌شد. این نوع واکنش محدود یا حاشیه‌ای نبود، بلکه فضای کلی بحث را شکل می‌داد و باعث می‌شد سرزنش، به جای تسلیت، محور اصلی بسیاری از دیدگاه‌ها باشد.

ت) توهین شدید و سلب حرمت انسانی

بخش قابل توجهی از دیدگاه‌ها از محکومیت فراتر رفته و به توهین شدید و سلب حرمت انسانی می‌رسید. در این دیدگاه‌ها از تشبیه به حیوانات، توهین‌های جنسی و عبارات‌های تحقیرآمیز درباره مرگ استفاده می‌شد. اشاره به قبر، پوسیدن جسد و ناپاکی نیز بارها دیده می‌شد. بسیاری از کاربران همچنان خواهان مجازات همیشگی، تحقیر یا عذاب متوفی پس از مرگ بودند.

شدت احساسات در این نوع دیدگاه‌ها بسیار بالا بود و خویشتن‌داری اندکی دیده می‌شد. حرمت‌های اجتماعی و دینی مربوط به مرگ نیز در بسیاری موارد نادیده گرفته می‌شد. در مجموع، این الگو نشان می‌دهد که استفاده از زبان بسیار خشن و توهین‌آمیز در بخشی از بحث‌های عمومی به امری عادی تبدیل شده بود؛ به گونه‌ای که کاربران نه تنها چنین سخنانی را بیان می‌کردند، بلکه آن را آشکارا در فضای عمومی به نمایش می‌گذاشتند. قابل توجه است که این نوع دیدگاه‌ها در این مجموعه بسیار بیشتر از بخش‌های مربوط به طلوع‌نیوز دیده می‌شد و فضای بحث در واکنش به این رویداد تندتر و خشن‌تر بود.

ث) محکومیت دینی و تأکید بر مجازات

گروه بزرگ دیگری از دیدگاه‌ها، مرگ مادر را از نگاه دینی و با تأکید بر مجازات مطرح می‌کردند. در این واکنش‌ها، کاربران از جهنم، عذاب الهی، مجازات همیشگی و پاسخگویی در آخرت سخن می‌گفتند.

برخلاف توهین‌هایی که مستقیماً از خشم شخصی ناشی می‌شد، این دیدگاه‌ها به‌طور مشخص از زبان و مفاهیم اسلامی استفاده می‌کردند و مجازات را نه صرفاً خواست شخصی خود، بلکه خواست یا حکم الهی معرفی می‌کردند. به جای دعا برای آمرزش متوفی، بسیاری علیه او دعا کرده و خواهان مجازات او می‌شدند.

اگرچه این نوع دیدگاه‌ها در بسیاری موارد با محکومیت شدید همپوشانی داشتند، اما از نظر زبان و شیوه بیان متفاوت بودند. در اینجا کاربران قضاوت خود را به خداوند نسبت می‌دادند و به این ترتیب، خشم شخصی به شکل یک قضاوت دینی بیان می‌شد.

ج) تسلیت و دعای دینی (اقلیت اما قابل توجه)

گروه کوچک‌تر اما قابل توجهی از کاربران، به شیوه معمول دینی تسلیت می‌گفتند. این دیدگاه‌ها شامل عبارت‌های قرآنی مانند «*إنا لله وانا إليه راجعون*» و دعا برای آمرزش متوفی و رفتن او به بهشت بود. این واکنش‌ها معمولاً کوتاه، تکراری و بدون بحث بودند و بیشتر از عبارت‌های رایج دینی استفاده می‌کردند تا بیان دیدگاه‌های شخصی.

در برخی موارد، تسلیت با ستایش پسر متوفی همراه بود یا برای پاسخ به انتقاد دیگر کاربران استفاده می‌شد. در مقایسه با بخش دری طلوع‌نیوز، این نوع دیدگاه‌ها بیشتر با مخالفت و حمله دیگر کاربران روبه‌رو می‌شدند. به این ترتیب، حتی تسلیت گفتن نیز به موضوع اختلاف تبدیل شده بود و دیگر یک رفتار اجتماعی مورد قبول همه نبود.

د) ستایش و قهرمان‌دانستن

گروه مشخص اما کوچک‌تری از کاربران، متوفی را به دلیل به دنیا آوردن یک «رهبر»، «مجاهد» یا «قهرمان» ستایش می‌کردند و از او به عنوان مادری یاد می‌کردند که پسری شجاع و نیکوکار را پرورش داده است. در این دیدگاه‌ها، مادر به عنوان زنی باعزت و حتی تاریخی معرفی می‌شد و کاربران با زبان احترام‌آمیز و ستایش‌گرانه از او یاد می‌کردند.

اگرچه این نوع دیدگاه‌ها در مقایسه با بخش دری طلوع‌نیوز متمرکزتر و مشخص‌تر بودند، شمار آن‌ها همچنان بسیار کمتر از دیدگاه‌های محکوم‌کننده بود. این دیدگاه‌ها اغلب با واکنش‌های تند دیگر کاربران روبه‌رو می‌شدند و ستایش آشکار متوفی باعث افزایش اختلاف و تقابل در بخش نظرات می‌شد.

ذ) دفاع از جایگاه مادر و جدا دانستن مسئولیت او از فرزند

گروه دیگری از کاربران استدلال می‌کردند که مادران نباید مسئول اعمال فرزندان بزرگسال خود دانسته شوند، توهین به یک مادر متوفی از نظر اخلاقی نادرست است و زنان افغان، به‌ویژه پس از بزرگ‌شدن پسران‌شان، اغلب اختیار محدودی بر تصمیم‌ها و اعمال آنان دارند.

این کاربران تلاش می‌کردند مسئولیت اخلاقی مادر را از اعمال سیاسی پسرش جدا کنند و معمولاً با لحنی آرام و سنجیده سخن می‌گفتند. با این حال، دیدگاه‌های آنان اغلب در میان واکنش‌های تند دیگر کاربران کمتر دیده می‌شد یا با مخالفت روبه‌رو می‌گردید. در برخی موارد، حتی این کاربران به «دفاع از طالبان» متهم می‌شدند.

این دیدگاه‌ها بیشتر نشان‌دهنده نگرانی اخلاقی بودند تا حمایت سیاسی. همچنین نشان می‌دهند که بیان یک دیدگاه میانه و سنجیده در فضایی که به‌شدت دو قطبی شده است، تا چه اندازه دشوار است.

ر) تأکید بر شیوه سخن گفتن و رعایت اصول اخلاقی

گروه کوچک‌تری از کاربران به جای تمرکز بر خود رویداد، درباره شیوه سخن گفتن دیگران واکنش نشان می‌دادند. آن‌ها استدلال می‌کردند که توهین به مرده با اصول اسلامی سازگار نیست، قضاوت نهایی تنها از آن خداوند است و زبان مورد استفاده در بحث‌های عمومی به‌طور فزاینده‌ای غیرانسانی شده است.

این کاربران اغلب از شدت توهین‌ها و بی‌رحمی موجود در دیدگاه‌ها ابراز نگرانی می‌کردند و معتقد بودند که حدود اخلاقی در گفت‌وگوهای عمومی در حال از بین رفتن است. این واکنش‌ها بیشتر از آن‌که نشان‌دهنده یک موضع سیاسی مشخص باشند، بیانگر نگرانی درباره ضعیف‌شدن اصول اخلاقی در بحث‌ها و گفت‌وگوهای عمومی بودند.

ز) تمسخر، تردید و دیدگاه‌های حاشیه‌ای

شمار قابل توجهی از کاربران پرسیده بودند که آیا مادر ملا محمد عمر واقعاً تا آن زمان زنده بوده است یا خیر. برخی نیز پنهان‌کاری طالبان را به تمسخر گرفته یا درباره هویت، سن و حتی وجود او شوخی کرده بودند. گروهی دیگر از این فرصت برای مطرح‌کردن شکایت‌ها و انتقادهای سیاسی نامرتبط استفاده می‌کردند.

در مجموع، این واکنش‌ها باعث پراکندگی بیشتر بحث می‌شد و بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به اطلاعات مرتبط با طالبان را تقویت می‌کرد. این کاربران به جای پرداختن مستقیم به خود رویداد، تردید گسترده‌تری را نسبت به روایت‌های طالبان و اعتبار اطلاعات مربوط به این گروه نشان می‌دادند.

ط) فضای کلی و شدت واکنش‌ها

در مجموع، فضای دیدگاه‌های دری افغانستان انترنشنل به شدت دو قطبی بود و در مقایسه با بخش‌های مربوط به طلوع‌نیوز، زبان خشن و توهین‌آمیز بیشتری در آن دیده می‌شد. خویشن‌داری و رعایت حدود معمول اجتماعی نیز کمتر بود. خشم و نارضایتی شدید، فضای کلی و جهت بحث‌ها را تا حد زیادی شکل می‌داد.

در مقایسه با بخش دری طلوع‌نیوز، محکومیت‌ها آشکارتر بود، استفاده از زبان توهین‌آمیز بیشتر عادی شده بود و کاربرانی که تلاش می‌کردند موضعی میانه‌تر داشته باشند یا از شدت بحث بکاهند، با واکنش‌های تندتری روبه‌رو می‌شدند. در مجموع، شدت احساسات و تقابل اخلاقی بر گفت‌وگوی سنجیده و خویشن‌داری غلبه داشت.

خلاصه یافته‌ها

در مجموع، این بخش نشان می‌دهد که محکومیت شدید، واکنش غالب کاربران بود و در کنار آن، توهین‌های بسیار شدید، سلب حرمت انسانی و استفاده گسترده از زبان دینی برای درخواست مجازات نیز دیده می‌شد. تسلیت و ستایش متوفی وجود داشت، اما شمار این دیدگاه‌ها محدود بود. تلاش برای جدا دانستن مسئولیت اخلاقی مادر از مسئولیت سیاسی پسرش نیز گاهی دیده می‌شد، اما تأثیر چندانی بر فضای کلی بحث نداشت.

فضای این رسانه نیز به نظر می‌رسد زمینه بیشتری برای بیان دیدگاه‌های تند و خشن فراهم کرده و به جای خویشن‌داری، شدت واکنش‌های احساسی را بیشتر کرده است. در مجموع، این واکنش‌ها نشان‌دهنده یک فضای عمومی بسیار حساس و پرتنش است که از اندوه، خشم، خاطرات جمعی خشونت و آسیب‌های اجتماعی حل‌نشده تأثیر گرفته است.

نتیجه‌گیری

در مجموع، بررسی چهار پُست فیس‌بوک از دو رسانه بزرگ افغانستان و در دو فضای زبانی نشان می‌دهد که چگونه یک مرگ شخصی به سرعت به موضوعی برای قضاوت اخلاقی، یادآوری گذشته سیاسی و بیان احساسات تبدیل شد. بخش دیدگاه‌ها بیشتر از آن‌که تنها فضایی برای تسلیت باشد، به جایی تبدیل شد که افغان‌ها برداشت‌ها و احساسات عمیق خود را درباره مسئولیت، مشروعیت، دین، جنسیت و خشونت در افغانستان امروز بیان می‌کردند.

در میان این چهار مجموعه، تفاوت‌های روشنی میان دیدگاه‌های پشتو و دری و همچنان میان دو رسانه دیده شد. در بحث‌های پشتو، به‌ویژه در طلوع‌نیوز، تسلیت‌های معمول دینی، احترام و ستایش جایگاه مادر و تأکید بر رعایت اصول اخلاقی و دینی غالب بود. در این فضا،

خویشتن‌داری و رعایت حرمت متوفی بیشتر از رویارویی سیاسی اهمیت داشت. محکومیت آشکار نیز وجود داشت، اما در اقلیت قرار داشت و فضای کلی بیشتر تحت تأثیر اصول دینی و نوعی مشروعیت‌بخشی غیرمستقیم قرار گرفته بود.

در مقابل، دیدگاه‌های دری، به‌خصوص در افغانستان انترنشنل، با خشم بیشتر، سرزنش مستقیم، توهین و زبان دینی مجازات‌طلبانه همراه بود. در این فضا، حتی مادر بودن در بسیاری از دیدگاه‌ها به دلیلی برای مسئولیت اخلاقی تبدیل شده بود و حرمت‌های اجتماعی و دینی مربوط به مرگ گاهی در برابر خشم و محکومیت کنار گذاشته می‌شد.

با وجود این تفاوت‌ها، چند الگوی مشترک در هر چهار پُست دیده شد. نخست، ملا محمد عمر، با آن‌که سال‌ها از مرگ او می‌گذرد، همچنان یک چهره نمادین مهم است. واکنش به مرگ مادر او در بسیاری موارد در واقع راهی برای بیان دیدگاه‌های گسترده‌تر درباره طالبان و گذشته این گروه بود.

دوم، مسئولیت خشونت در بسیاری از دیدگاه‌ها از ساختارهای سیاسی و گروه‌های مسلح به افراد خانواده، به‌ویژه زنان، منتقل می‌شد. در نتیجه، مسئولیت رویدادهای پیچیده سیاسی و نظامی گاهی به یک فرد یا یک رابطه خانوادگی نسبت داده می‌شد.

سوم، زبان دینی در هر چهار مجموعه نقش مهمی داشت، اما به شیوه‌های کاملاً متفاوت استفاده می‌شد. در برخی موارد، دین وسیله‌ای برای دعوت به خویشتن‌داری، احترام و رعایت اصول اخلاقی بود؛ در موارد دیگر، از مفاهیم دینی برای توجیه محکومیت و مجازات استفاده می‌شد.

این تحلیل همچنان نشان می‌دهد که مشارکت در شبکه‌های اجتماعی در چنین رویدادهایی همیشه به معنای بحث و تبادل نظر نیست. دعا‌های کاپی‌شده، عبارت‌های معمول تسلیت، واکنش‌های شدید احساسی و تذکرهای اخلاقی در کنار تمسخر، بدبینی و دیدگاه‌های نامرتبط دیده می‌شدند. این وضعیت نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌توانند به دیده‌شدن موضع‌ها، نشان دادن وابستگی و افزایش شدت احساسات کمک کنند تا ایجاد گفت‌وگوی سنجیده. دیدگاه‌های میانه، سنجیده یا آگاه به مسائل جنسیتی نیز در هر چهار مجموعه وجود داشتند، اما در فضای شدیداً دو قطبی کمتر مورد توجه قرار می‌گرفتند.

در مجموع، این یافته‌ها نشان می‌دهد که واکنش مردم به چنین رویدادهای نمادین زیر حاکمیت طالبان را نمی‌توان تنها به حمایت یا مخالفت خلاصه کرد. این واکنش‌ها تصویری پیچیده از آسیب‌ها و رنج‌های حل‌نشده، اختلاف بر سر حدود اخلاقی و دیدگاه‌های متفاوت درباره مشروعیت را نشان می‌دهند؛ موضوعاتی که از چندین دهه جنگ و واقعیت‌های سیاسی کنونی تأثیر گرفته‌اند.

با بررسی این‌که افغان‌ها در چنین لحظاتی چگونه سخن می‌گویند، چه چیزی را محکوم می‌کنند، چه چیزی را مورد احترام و ستایش قرار می‌دهند و چه کسانی را مسئول می‌دانند، این مطالعه بخشی از احساسات، قضاوت‌های اخلاقی و نگرش‌هایی را نشان می‌دهد که همچنان بحث‌های عمومی در افغانستان امروز را شکل می‌دهند.

منابع دیتا: پُست‌های فیسبوک مورد بررسی

طلوع‌نیوز (پشتو) — ۱۳ دسمبر ۲۰۲۵

اعلامیه ذبیح‌الله مجاهد درباره درگذشت مادر بنیان‌گذار و نخستین رهبر امارت اسلامی افغانستان.

مشاهده پُست در فیسبوک:

https://www.facebook.com/story.php?story_fbid=1295869089249018&id=100064778164082&rdid=ayFvbmK11zPmMLgu

طلوع‌نیوز (دری) — ۱۳ دسمبر ۲۰۲۵

اعلامیه ذبیح‌الله مجاهد درباره درگذشت مادر بنیان‌گذار و نخستین رهبر امارت اسلامی افغانستان.

مشاهده پُست در فیسبوک:

https://www.facebook.com/story.php?story_fbid=1295869732582287&id=100064778164082&rdid=kTzK26b6UAQ86TxW

افغانستان انترنشنل (پشتو) — ۱۳ دسمبر ۲۰۲۵

گزارش درباره درگذشت مادر رهبر طالبان.

مشاهده پُست در فیسبوک:

https://www.facebook.com/story.php?story_fbid=122273228906197546&id=61555926398999&rdid=gO2mVMNNRhcxqoYg

افغانستان انترنشنل (دری) — ۱۳ دسمبر ۲۰۲۵

گزارش درباره درگذشت مادر رهبر طالبان.

مشاهده پُست در فیسبوک:

https://www.facebook.com/story.php?story_fbid=1161651056178409&id=100070005769381&rdid=OmGglvsEexxdIisY

درباره نویسنده

طارق جهان بنیان‌گذار و رئیس مرکز مطالعات تروریسم و دموکراسی افغانستان است. او در حال حاضر در پوهنتون سنت اندروز دوره دوکترا را دنبال می‌کند و پژوهش او بر ارتباطات استراتژیک در جنگ افغانستان تمرکز دارد. کارهای پژوهشی او موضوعاتی چون تروریسم، شورشگری و افراط‌گرایی را در بر می‌گیرد. طارق پیش از این با دولت پیشین افغانستان کار کرده و همچنان در بخش خصوصی در زمینه توسعه بین‌المللی فعالیت داشته است.